

نقد و بررسی روش‌های تاریخ‌گذاری قرآن

منصور پهلوان*

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۵

ابراهیم اقبال**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۵

محمدعلی حیدری مزرعه‌آخوند***

چکیده

در تاریخ‌گذاری آیه‌ها و سوره‌های قرآن کریم روش‌های نقلی، تاریخی، موضوعی، سیاق و اسلوب، آماری، روان‌شناختی و ذوقی و سلیقه‌ای متداول است که هر یک با نقدهای جدی مواجه است؛ برخی از روش‌ها، نظیر روان‌شناختی و ذوقی و سلیقه‌ای در تاریخ‌گذاری قرآن جایگاهی ندارند و برخی دیگر نظیر نقلی، تاریخی، موضوعی، سیاق و اسلوب و آماری به تنهایی کارایی کافی را ندارند، در این امر بهتر است روشی فراگیر در پیش گرفت که آمیخته‌ای از نقل و اجتهاد است. در این روش نخست روایات ترتیب نزول سوره‌ها، به اعتبار سند و متن مورد بررسی قرار می‌گیرد و مکی یا مدنی بودن هر سوره به دست می‌آید، آنگاه با توجه به روایت‌های سبب نزول و مباحث تاریخی و نقد و بررسی آن‌ها، محدوده زمانی هر سوره‌ای مشخص می‌شود؛ سپس با در نظر گرفتن ضوابط و خصائص اسلوبی و موضوعی سوره‌ها در دو دوره مکی و مدنی و حتی داده‌های آماری، تاریخ‌گذاری تقویت می‌شود.

کلیدواژه‌گان: قرآن کریم، تاریخ‌گذاری، ترتیب نزول، مکی و مدنی، روش‌ها.

pahlevan@ut.ac.ir

eeghbal@ut.ac.ir

mohamadali_heydari@yahoo.com.au

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران (استاد).

** عضو هیأت علمی دانشگاه تهران (استادیار).

*** دانشجوی دکتری دانشگاه تهران.

نویسنده مسئول: محمدعلی حیدری مزرعه‌آخوند

مقدمه

تاریخ‌گذاری قرآن (به معنای تعیین محدوده زمانی نزول سوره‌ها و یا بخش‌هایی از یک سوره) هرچند عنوانی جدید در تحقیقات قرآنی است، اما علوم زیربنائی آن هم‌چون ترتیب نزول سوره‌ها، اسباب نزول و خصوصاً مکی و مدنی، از صدر اسلام وجود داشته است؛ این امر بر مبانی و منابعی استوار است که مهم‌ترین آن‌ها، توجه به روایت‌های ترتیب نزول، مکی و مدنی، اسباب نزول، اقوال تاریخی و دقت در خود آیات قرآن کریم است. مفسران و محققان به روش‌های گوناگون به این امر پرداخته‌اند؛ عده‌ای تنها با استفاده از روایت‌های ترتیب نزول (فارسی، ۱۳۶۱: ۱۸) و برخی با اصل قراردادن آن روایت‌ها و توجه بیش از حد به روایت‌های تاریخی و اسباب نزول، تاریخ نزول قرآن را مشخص نمودند (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۴).

برخی بدون در نظر گرفتن روایت‌های مذکور و با تکیه بر روش‌های اجتهادی، نظیر سیاق آیات و سبک و اسلوب سوره‌ها، محتوا و موضوع وحی و داده‌های آماری، به این امر اقدام کرده‌اند؛ علامه طباطبائی با نقد روایت‌های ترتیب نزول و اسباب نزول و تکیه بر سیاق آیات و سبک و محتوای سوره‌ها، به تاریخ‌گذاری مبادرت ورزیده است (طباطبائی، ۱۳۵۳: ۱۸۶). مرحوم بازرگان با اصل قراردادن داده‌های آماری و بلندی و کوتاهی آیه‌ها، و ارائه اصطلاحاتی نظیر طول متوسط آیه، طول غالب، ارتفاع، دامنه و طول مینا و با در نظر گرفتن اعداد و ارقام استخراج‌شده از آیه‌های هر سوره و کلمات هر آیه، تاریخ نزول آن‌ها را مشخص کرده است (بازرگان، ۱۳۳۶: ۱/ ۸۹-۹)؛ برخی بدون توجه به مبانی تاریخ‌گذاری و وحیانی بودن قرآن و با در نظر گرفتن تغییر رفتار و شخصیت پیامبر (ص) در دو دوره مکه و مدینه و تکیه بر روش‌های روان‌شناختی و ذوقی و سلیقه‌ای به آن امر روی آورده‌اند.

روش‌های یادشده به تنهایی کارآیی کافی در تاریخ‌گذاری قرآن ندارند، حال جای این سؤال باقی است که بر روش‌های یادشده چه نقدهایی وارد است؟ و بهترین روش در تاریخ‌گذاری قرآن مجید چیست؟ پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به این سؤال‌ها است.

روش‌های تاریخ‌گذاری قرآن

در تاریخ‌گذاری قرآن روش‌های نقلی، تاریخی، موضوعی، سیاق و اسلوب، آماری، روان‌شناختی و ذوقی و سلیقه‌ای متداول است، که هر یک از آن‌ها پس از ارائه، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. روش نقلی

برخی از مفسران و عالمان علوم قرآن، نظیر ملا حویث آل غازی، محمد عزه دروزه و جلال‌الدین فارسی از این روش استفاده نموده‌اند. مستشرقان در تاریخ‌گذاری به روش نقلی توجهی ندارند. در ادامه به معرفی و تحلیل و نقد این روش پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

منظور از روش نقلی در تاریخ‌گذاری قرآن، استفاده از روایت‌های ترتیب نزول، اسباب نزول و مکی و مدنی است؛ مستشرقانی که به امر تاریخ‌گذاری روی آورده‌اند، به روش نقلی توجه نداشته و آن را ناکارآمد می‌دانند (bell, 101)، و بعضاً افرادی نظیر مویر که گرایشی به استفاده از منابع نقلی در تاریخ‌گذاری دارد، به روایات ضعیف استناد جسته است (muir, 43). علامه طباطبایی نیز روایت‌های ترتیب نزول را در امر تاریخ‌گذاری بی‌اعتبار می‌داند و روایت‌های اسباب نزول را قصصی انطباق یافته با آیات قرآن کریم یاد می‌کند و بهترین مبنا را توجه به سیاق آیات و مضمون و محتوای سوره‌ها می‌داند (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۱۸۶-۱۸۷). در این میان برخی از محققان بر این روش اعتماد کرده‌اند، و این روش را روشی اصلی، در تاریخ‌گذاری قرآن برگزیده‌اند، ملا حویث آل غازی در «بیان المعانی» (ملاحویث، ۱۳۸۲ق: ۱/ ۲۴) محمد عزه دروزه در «التفسیر الحدیث» (دروزه، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۰) و جلال‌الدین فارسی در کتاب‌های «پیامبری و انقلاب»، «پیامبری و جهاد» و «پیامبری و حکومت» (فارسی، ۱۳۶۱: ۱۸)، سوره‌های قرآن کریم را بر مبنای روش نقلی تاریخ‌گذاری نموده‌اند؛ ملاً حویث با اصل قرار دادن ترتیب مصحف الازهر (از معتبرترین فهرست‌های نزد اهل سنت که با توجه به روایت‌های ترتیب نزول تنظیم گردیده)، بدون هیچ تغییری، ترتیب خویش را پایه‌گذاری نمود، محمد عزه دروزه نیز، با

اصل قراردادن ترتیب آن مصحف و جلال‌الدین فارسی با اصل قراردادن روایت ترتیب نزول منسوب به امام صادق(ع)، با اندک تغییراتی، یک دوره تفسیر به ترتیب نزول به روش نقلی نگاشتند.

تحلیل و نقد این روش

روش نقلی نسبت به روش‌های دیگر تاریخ‌گذاری از کارایی بهتری برخوردار است، اما این روش نیز به جهت مرسل بودن برخی از روایت‌های ترتیب نزول و وجود افراد ضعیف و متهم به کذب در سلسله اسناد آن‌ها(نکونام، ۱۳۷۳: ۱۰۸) و اختلاف‌های ظاهری در این روایات و جعل و تحریف در مدلول برخی از روایت‌های اسباب نزول و یکسان نبودن معیار و مبنای مکی و مدنی در نزد متقدمان و متأخران، نمی‌تواند روشی کامل در تاریخ‌گذاری قرآن کریم محسوب شود، روایات ترتیب نزول سوره حشر را بعد از سوره بینه به عنوان یکصدمین سوره، در دوران میانی مدینه قرار داده‌اند(سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸ / ۱)، در حالیکه مضمون این سوره، مربوط به جنگ با یهودیان بنی نضیر و اخراج آن‌ها از مدینه است و این واقعه در اواخر سال سوم، بعد از جنگ احد و قبل از جنگ احزاب اتفاق افتاده است(طبری، ۱۴۱۲ق: ۲ / ۱۴۹) و باید قبل از سوره احزاب قرار گیرد، در حالی که این سوره با ۱۱ سوره متأخرتر از سوره احزاب بعد از سوره بینه قرار گرفته است. در روایت‌های ترتیب نزول به جهت خطای ناسخان بین برخی از سوره‌های قرآن تصحیف‌هایی رخ داده است، مانند تصحیف سوره‌های نحل به نمل، احزاب به اعراف، روم به زمر، انبیاء به نبأ، حجر به حج، نصر به عصر، و انعام به انبیاء؛ از بین سیزده روایت ترتیب نزول، فقط ۵ روایت سوره فاتحه را ذکر کرده‌اند و ۸ روایت از آن نامی نبرده‌اند، روایات ترتیب نزول، در ترتیب نزول سوره‌های فاتحه، عصر، عادیات، فلق، ناس، قدر، واقعه، اسراء، ذاریات، سجده، مطففین و رعد با هم اختلاف دارند و برخی نزول این سوره‌ها را در مکه و برخی دیگر در مدینه گزارش کرده‌اند، از این گذشته در برخی از روایت‌های ترتیب نزول سوره‌های رحمان، تبت، صف، محمد، فاتحه، اعراف، مریم، ناس، تغابن، کافرون، اخلاص، انشقاق، زلزال، مؤمنون، ممتحنه، بلد، زخرف، طور و حشر از قلم افتاده و از آن‌ها نامی به میان نیامده است(سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸ / ۱؛ ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۲۸؛ جفری، ۱۹۷۲م: ۱۳).

روایات اسباب نزول نیز از پدیده جعل و تحریف مصون نمانده و بدون پالایش و بررسی نمی‌تواند به عنوان منبع روش نقلی مورد استفاده قرار گیرد، برای نمونه آورده‌اند که

﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ (نساء / ۴۳)

درباره / امام علی (ع) نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۶۵ / ۲)، در حالیکه به تصریح روایات، آن حضرت هرگز لب به شراب نیالوده بود (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۱ / ۵۰۰). یا اینکه سبب نزول دو سوره فلق و ناس را سحر / لبید بن / عصم یهودی نسبت به پیامبر بیان کرده‌اند (بحرانی، ۴۱۴ / ۶)، در حالی که با توجه به آیات قرآن کریم و حوادث تاریخی این حادثه نمی‌تواند سبب نزول سوره فلق و ناس باشد؛ نقل دو و یا چند روایت متعارض ذیل یک آیه یا ذکر یک روایت ذیل دو یا چند آیه در سوره‌های قرآن دلیلی دیگر بر عدم کارایی کامل این روایات در روش تاریخ‌گذاری است؛ برای نمونه ذیل

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ﴾ (توبه / ۱۱۳)

از سویی آورده‌اند: به سبب استغفار پیامبر اسلام (ص) برای مادرش هنگام عمره حدیبیه در سال هفتم هجرت یا فتح مکه در سال هشتم هجرت و یا بازگشت از جنگ تبوک در سال نهم هجرت نازل شده است و از سویی دیگر آورده‌اند که آن به سبب استغفار آن حضرت برای حضرت / ابوطالب در سال دهم بعثت نازل شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۱ / ۳۲)، علاوه بر این با توجه به وجود آیات مستثنیات، برخی از روایتهای اسباب نزول در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم کارایی چندانی ندارند و فقط تاریخ نزول آیه مورد نظر را مشخص می‌نمایند، زیرا به اعتقاد آن‌ها آیه مورد نظر جدای از سوره نازل شده است، به عنوان نمونه می‌توان به سبب نزول آیه ۶۴ / انفال اشاره کرد که چون تعداد مؤمنان به سی و نه تن رسید و با اسلام آوردن عمر چهل تن شدند، این آیه نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۵). با پذیرفتن این آیه به عنوان آیات مستثنیات فقط تاریخ نزول آن جدای از کل سوره نتیجه‌گیری می‌شود، علاوه بر این که برای بسیاری از سوره‌ها، خصوصاً سوره‌های مکی روایات سبب نزول یافت نمی‌شود.

۲. روش تاریخی

یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری قرآن، استناد به رخداد‌های تاریخی عصر نزول و تطبیق آن با آیات و سوره قرآن کریم و تعیین زمان نزول آن است، در ادامه به معرفی و تحلیل و نقد این روش پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

محققانی نظیر محمد عَزّه دروزه و جلال‌الدین فارسی در تاریخ‌گذاری سوره‌های حشر، جمعه، ممتحنه، حدید، منافقون، نور، نساء، فتح، زلزله، حج، نصر و مجادله از این روش استفاده کرده‌اند (دروزه، ۱۳۸۳: ۹/۲۹۸؛ فارسی، ۱۳۶۱: ۱۰۳)، از این گذشته دروزه در کتاب «سیره الرسول صورة مقتبسة من القرآن الکریم» به طور خاص با استفاده از روش تاریخی ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم را سامان داد. بر اساس روایت ترتیب نزول منسوب به ابن عباس، ترتیب جای‌گیری دو سوره حشر و جمعه، بعد از سوره احزاب و در دوران پایانی مدینه است (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۳۳-۳۴)، اما وی این دو سوره را قبل از سوره احزاب و در دوران ابتدایی مکه قرار داده و علت آن را چنین بیان نموده: «محتوای اصلی سوره حشر، بیرون راندن گروهی از یهودیان بنی نضیر از شهر مدینه است و حادثه بیرون رانده شدن‌شان از مدینه، ۵ ماه بعد از جنگ احد اتفاق افتاده است و معقول آن است که ترتیب سوره حشر بعد از سوره آل عمران، در دوران ابتدایی مدینه باشد، زیرا در سوره آل عمران مباحثی راجع به جنگ احد ذکر شده است» (دروزه، ۱۳۸۳: ۷/۳۰۳-۳۰۲).

سوره جمعه نیز به رسوائی تفکر یهودیانی که در مدینه زندگی می‌کردند، مربوط است و این سوره در زمانی نازل شده است که گروه‌هایی و لاقول گروهی از یهودیان مدینه، در مدینه حضور داشته‌اند و از قدرت و شوکت بالایی برخوردار بوده‌اند، در حالی که آخرین گروه یهود که شامل بنی قریظه می‌باشد، در سال پنجم هجرت، شوکت و عزت خود را از دست داده‌اند. این حادثه قبل از جنگ احزاب می‌باشد، بنابراین نزول سوره جمعه قبل از سوره احزاب نتیجه‌گیری می‌شود (دروزه، ۱۳۸۳: ۷/۳۲۸). دروزه دو سوره ممتحنه و حدید را که بر اساس روایت ترتیب نزول منسوب به ابن عباس، در دوران ابتدایی مدینه ثبت شده‌اند (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۳۳-۳۴)،

به عنوان آخرین سوره‌های نازل شده در دوران پایانی مدینه قبل از سوره توبه و نصر قرار داده است، و علت این جای‌گذاری را چنین بیان نموده است: «در این سوره‌ها به موضوع‌های تاریخی بعد از وقایع فتح مکه، اشاره شده است، از جمله آیه‌های ۱۰ و ۱۱ سوره ممتحنه که مربوط است به بازگرداندن زنان مسلمان مهاجر به سوی کفار مکه و باطل نمودن رابطه زوجیت بین زنان کافر و مردان مسلمان، با توجه به نقل‌های تاریخی، موضوع‌های فوق مربوط به زمان بعد از فتح مکه است و از این رهگذر، تاریخ نزول سوره ممتحنه، بعد از سوره فتح و حادثه تاریخی فتح مکه نتیجه‌گیری می‌شود (دروزه، ۱۳۸۳: ۹/۲۶۶). آیه ۱۰ سوره حدید نیز به صراحت بر نزول آن بعد از فتح مکه و در دوران پایانی مدینه دلالت دارد (دروزه، ۱۳۸۳: ۹/۲۹۶).

تحلیل و نقد این روش

تاریخ‌گذاری قرآن، موضوعی تاریخی است و این روش در کنار روش نقلی از بهترین روش‌های تاریخ‌گذاری محسوب می‌شوند، اما این روش نمی‌تواند روشی جامع و کامل باشد، زیرا این روش سوره‌های مکی را پوشش نمی‌دهد و بسیاری از سوره‌های مکی بر حوادث تاریخی دلالت ندارند، دروزه در کتاب «سیرة الرسول» بر این مطلب اذعان دارد و آن را یکی از ضعف‌های روش تاریخی یاد کرده است (دروزه، بی تا: ۱/۱۴۳-۱۴۴). به همین دلیل در ترتیب چینش و تاریخ نزول سوره‌های مکی دست نبرده و ترتیب آن‌ها را بر اساس روایت‌های ترتیب نزول شرح داده است، به طور کلی آیات تاریخ دار قرآن کریم به موارد زیر محدود می‌شود: دعوت علنی در سوره حجر (۳ ب)، هجرت به حبشه (۵ ب)، شکست روم (۱۲ ب)، هجرت به مکه (۱۳ ب)، تغییر قبله (۲ ه)، غزوه بدر (۲ ه)، غزوه احد (۳ ه)، غزوه بنی نضیر (۴ ه)، غزوه خندق (۵ ه) و بنی قریظه (۵ ه)، صلح حدیبیه (۶ ه)، فتح مکه (۸ ه)، غزوه حنین (۸ ه)، غزوه تبوک (۹ ه) و برائت از مشرکان (۹ ه).

از دیگر ضعف‌های روش تاریخی، تحریف تاریخ و وجود تاریخ‌های متفاوت برای برخی حوادث می‌باشد، به عنوان نمونه می‌توان به افسانه غرانیق و نزول آیه ۵۲ حج، سوره نجم و تاریخ نزول سوره حجر اشاره کرد، در بعضی تفسیرها شأن نزول آیه ۵۲ سوره حج و نزول قسمتی از سوره نجم را ماجرای غرانیق دانسته‌اند، برخی با پذیرش این داستان، آیه ۵۲ را از سوره مدنی حج

استثنا کرده و تاریخ نزول آن را در مکه می‌دانند (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ۳/ ۱۱۲)، در حالی که داستان افسانه غرانیق از جعلیات و تحریفات وارد شده در لابه‌لای کتاب‌های تاریخ اسلام است (رامیار، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۴۸) و از این حادثه و داستان نمی‌توان در جهت تعیین تاریخ نزول آیات و سور قرآن کریم بهره گرفت.

هم‌چنین می‌توان به تاریخ دعوت علنی پیامبر که بیانگر تاریخ نزول سوره حجر است اشاره کرد؛ برخی از مورخان و منابع تاریخی، دعوت علنی پیامبر را سال سوم (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲/ ۳۱۸) و برخی دیگر سال پنجم بعثت (ابن سعد، ۱۴۰۵ق: ۱۹۹) دانسته‌اند، با پذیرش سال سوم تاریخ نزول سوره حجر در سال سوم و با پذیرش سال پنجم تاریخ نزول سوره حجر در سال پنجم بعثت تعیین می‌شود.

۳. روش موضوعی

یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری آیات و سور قرآن، توجه به محتوا و موضوع آن‌هاست، بدین معنا که وحی‌های دوران مکه با مدینه از جهت محتوا و موضوع متفاوت هستند، حتی سیر تحول موضوعات در هر یک از دوران بر نظامی منطقی برخوردار است. در ادامه به معرفی و تحلیل و نقد این روش پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

برخی از محققان چون علامه طباطبایی از این روش کمک گرفته (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۱۸۶-۱۸۷) و مستشرقانی چون وایل، نولدکه و بلاشر در کنار روش سبک و اسلوب از آن بهره برده و برخی نیز چون هرشفلد از این روش، به عنوان روشی اصلی در تاریخ‌گذاری استفاده کرده‌اند، هرشفلد سوره‌های مکی را بر اساس مضامین و محتویات آن‌ها به وحی‌های تصدیقی-اثباتی، خطاب‌ای - موعظه‌ای، داستانی، توصیفی و تشریحی تقسیم نموده است؛ سوره‌های اثباتی سوره‌هایی هستند که در آن‌ها مباحثی عقیدتی از قبیل توحید و نبوت ذکر شده است، و تاریخ نزول این سوره‌ها بر دیگر سوره‌ها مقدم است، اولین سوره نازل شده با موضوع اثباتی سوره «علی» و پس از آن «قلم» است، در مورد ترتیب تاریخی سوره‌های حاقه، طور، قلم، مزمل و

مدثر گوید: «پیامبر به منظور اثبات نبوت و بعثت خویش ناچار بود قوم خود را متقاعد سازد که او شاعر، مجنون، کاهن و یا دروغگو نیست، به همین دلیل آیات

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلٍ مَا تُؤْمِنُونَ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلٍ

مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (الحاقه / ۴۰-۴۲)

﴿فَذَكِّرْ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مُجْتَوِّنٍ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبِّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ﴾

(طور / ۲۹-۳۰)

نازل شد و به جهت تنبیه تهمت زندگان جمله

﴿فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَدِّبُ بِهِذَا الْحَدِيثِ﴾ (قلم / ۴۴)

را نازل کرد و این عبارت در آیه‌های مزمل / ۱۱ و مدثر / ۱۱ نیز آمده است (hirshfeld, 34-42)؛ وحی‌های خطابه‌ای و موعظه‌ای، آن دسته از آیات و سوره‌هایی هستند که بیش‌تر ماهیت اخلاقی و پند و اندرز دارند، و در مورد روز قیامت و احوال آن است و بعد از سوره‌های اثباتی نازل شده‌اند، از بارزترین سوره‌های این دوران، سوره تکویر و انفطار است، زیرا در این سوره‌ها از روز قیامت و اوصاف آن بحث شده است؛ وحی‌های داستانی، آن دسته از سوره‌ها و آیاتی هستند که قصص انبیاء و امت‌های گذشته را بیان می‌کنند و این آیات و سوره‌ها بعد از سوره‌های اثباتی و موعظه‌ای نازل شده‌اند. نخستین وحی‌ای که آشکارا ویژگی داستانی دارد، سوره ذاریات است و گزارش کوتاهی از شرارت‌های فرعون، قوم عاد، ثمود و نوح را ذکر می‌کند، از دیگر سوره‌های داستانی، سوره «قمر» است که با یکی از نشانه‌های وحی دوران خطابه‌ای و موعظه‌ای آغاز می‌گردد، به دنبال آن قصه قوم نوح، عاد و ثمود را ذکر می‌کند. در دوران نزول وحی داستانی سوره فاتحه نازل گردید؛ پس از اتمام نزول سوره‌های داستانی، نوبت به نزول دسته دیگر از سوره‌ها می‌رسد که به وصف پدیده‌های طبیعت می‌پردازد و به آن‌ها وحی‌های توصیفی اطلاق می‌شود، مانند: سوره عبس، مرسلات، نازعات، فلق و ناس؛ وحی‌های تشریحی، وحی‌هایی هستند که قانون عبادی، قضایی و حقوقی را بیان می‌کنند مانند سوره ضحی، فرقان، اعراف، عنکبوت و احقاف (ibid, 49- 100).

تحلیل و نقد این روش

مهم‌ترین اشکال روش موضوعی ارائه شده از جانب هرشفلد، بی‌توجهی به روایت‌های ترتیب نزول و روش‌های نقلی-تاریخی است. تعیین تاریخ نزول آیات و سور قرآن کریم، موضوعی تاریخی است، مبنا و روش تحقیق آن، استناد به ادله تاریخی، روایات معتبر و در برخی مواضع توجه به مضامین آیات و سور است، بدون توجه به روش‌ها و ادله نقلی و تاریخی، تاریخ‌گذاری قرآن امکان‌پذیر نیست، هرشفلد بدون توجه به روایت‌های ترتیب نزول و روش‌های نقلی و صرفاً با تکیه بر روش موضوعی ابدائی از جانب خویش، تاریخ آیات و سور را مشخص نموده است، این در حالی است که ترتیب ارائه‌شده از وی با ترتیب روایی-نقلی بسیار فاصله دارد.

اشکال اساسی‌تر بر اصل مبنای او وارد است که سیر نزول سوره‌های قرآنی را بر حسب ترتیب نزول چنین معرفی کرده است: سور اثباتی، موعظه‌ای، داستانی، توصیفی و تشریحی و حال آنکه این نحوه چینش و سیر نزول وحی قرآنی، پرسش‌های مهم و جدی را مطرح می‌سازد که در پژوهش هرشفلد پاسخ هیچ‌یک از آن‌ها روشن نشده است. اساساً به چه دلیل باید ابتدا سوره‌های اثباتی و سپس موعظه‌ای و سوره‌های دیگر نازل شود؟ چگونه سوره‌های قرآن با تنوع مضامین و موضوعاتی که دارند، قابل دسته‌بندی به صورت‌های مذکورند؟ و چه دلیل عقلی و نقلی آن را پشتیبانی می‌کند؟ وی سوره «اعلی» را دومین سوره مکی معرفی کرده است و حال آنکه بر اساس روایات، این سوره هشتمین سوره نازل شده پس از «تکویر» و قبل از «لیل» است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/ ۵۹-۶۰؛ ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۳۳-۳۴).

سوره زلزله در قسمت سوره‌های موعظه‌ای در دوران مکه به عنوان هفدهمین سوره قرار گرفته، در حالی بر اساس روش نقلی و روایت‌های ترتیب نزول این سوره در مدینه به عنوان نود و سومین سوره نازل شده است، سوره فاتحه به عنوان شصت و هفتمین سوره در قسمت سوره‌های داستانی قرار گرفته است، در حالی که به اتفاق نظر تمام دانشمندان اسلامی این سوره از اولین سوره‌های نازل شده بر پیامبر در مکه است. دو سوره عبس و ضحی در دوران پایانی مکه در ذیل سور توصیفی و تشریحی قرار گرفته، در حالیکه بر اساس روایت‌های ترتیب نزول این دو سوره در دوران ابتدایی مکه نازل شده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/ ۵۹-۶۰؛ ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۳۳-۳۴).

از دیگر اشکال‌های این روش پیروی نکردن تقسیمات از قواعد منطقی است، هرشفلد سوره ضحی را دو قسم نموده و آیه‌های ۱-۸ را در بخش سوره‌های اثباتی و آیه‌های ۹-۱۱ را به دلیل عبارت

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرَ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَر﴾ (ضحی / ۹-۱۰)

در بخش سوره‌های تشریحی قرار داده است، در حالیکه در مورد سوره شمس چنین عمل نکرده، زیرا در این سوره آیه‌های:

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ (شمس / ۱۱-۱۵)

به طور آشکارا مربوط به داستان حضرت صالح است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۲۹۹)؛ اما وی، این سوره را فقط در بخش سوره‌های موعظه‌ای ذکر کرده است (hirshfeld, 143). هم‌چنین وی سوره‌ها را بدون توجه به رابطه لفظی و معنایی آن‌ها و تائیدیه روایی تقطیع نموده؛ سوره ضحی به دو قسم تقسیم شده و آیات ۱-۸ آن در بخش سوره‌های اثباتی - اعتقادی و آیه‌های ۹-۱۱ آن در بخش وحی‌های تشریحی قرار گرفته است؛ در حالیکه بین آیه

﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي﴾ (ضحی / ۸)

و

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرَ﴾ (ضحی / ۹)

ارتباط معنایی می‌باشد. روش موضوعی ارائه‌شده از جانب هرشفلد نمی‌تواند در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم کارآمد باشد، زیرا در بسیاری از سوره‌ها، دو یا چند موضوع‌های ارائه‌شده از جانب وی یافت می‌شود، در سوره حاقه آیات:

﴿الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾ (الحاقه / ۱-۳)

که بر موضوع قیامت اشاره دارند، در بخش سوره‌های موعظه‌ای، و آیات:

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ

عَاتِيَةٍ﴾ (الحاقه / ۴-۶)

در بخش سوره‌های داستانی، و

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَاهُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (الحاقه / ۴۰-۴۲)

در بخش سوره‌های اثباتی، و

﴿إِنَّهُ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ (الحاقه / ۵۲)

در بخش سوره‌های تشریحی قرار می‌گیرد. موضوعات ارائه‌شده هرشفله منتخ و غیرقابل تداخل نبوده و در مورد تمام سوره‌ها، جامع افراد و مانع اغیار نیست.

۴. روش سیاق، سبک و اسلوب

برخی از مفسران اسلامی و نیز تعدادی از مستشرقان، برای تعیین مکی و مدنی بودن و همچنین تاریخ‌گذاری، این روش را پیموده‌اند؛ علامه طباطبایی، محمد عزه دروزه و مستشرقانی چون گوستاو وایل، نولدکه، بلاشر، گریم و مویر از افراد مطرح در این روش هستند، در ادامه به معرفی و تحلیل و نقد این روش پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

سیاق به معنای راندن شتر، تتابع و پی در پی و نظم و پیوستگی معنا آمده است (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۵/ ۱۹۰) و سیاق آیات وجه ارتباط و تناسب آیات با یکدیگر، و جهت خاص کلام است که موجب ارتباط و اتصال صدر و ذیل و میانه کلام می‌شود (معرفت، ۱۳۸۴: ۱/ ۷۱). علامه طباطبایی ضمن نقد روایات ترتیب نزول، تنها راه برای پی بردن به مکی و مدنی بودن آیات و سور را، تدبّر و دقت در سیاق آیات می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/ ۲۳۵)؛ او با این روش، بسیاری از روایات بیانگر مکی و مدنی را در بوطه نقد قرار می‌دهد و از ۳۵ سوره مکی مشهور به داشتن آیات مدنی، آیات مدنی ۱۲ سوره را می‌پذیرد و آیات مدنی ۲۳ سوره را به دلیل داشتن سیاق واحد رد می‌کند (المیزان، ۱۴۱۷: ۱۲/ ۶، ۱۲/ ۹۵، ۱۲/ ۲۰۳، ۱۳/ ۶، ۱۶/ ۱۸۵) و آیات مکی دو سوره مدنی انفال و توبه را نمی‌پذیرد (المیزان، ۱۴۱۷: ۹/ ۷۶، ۹/ ۴۱۴). محمد عزه دروزه نیز با توجه به سیاق، بسیاری از آیات مستثنیات را رد می‌کند و برای آن‌ها تاریخ نزولی متفاوت از تاریخ نزول بر مبنای روایات مشخص می‌سازد؛ در مورد آیه ۱۳/ محمد گوید: «برخی از روایات، بیان

می‌کنند که این آیه در زمان هجرت پیامبر به مدینه نازل شده است، در حالی که با توجه به سیاق آیات و ارتباط آن با آیات قبل و بعد، نمی‌توان به این روایت واقعی نهاد(دروزه، ۱۳۸۳: ۸/۲۹۸)، نیز برخی روایات بیان می‌کنند که آیات ۳۰-۳۶ انفال مکی است، در حالی که با توجه به سیاق آیات نمی‌توان این را پذیرفت و سوره دفعی النزول است(دروزه، ۱۳۸۳: ۷/۷).

سبک و اسلوب، روشی است که گوینده در چینش سخن و گزینش الفاظ به کار می‌گیرد(زرقانی، ۱۴۲۲ق: ۲/۳۲۵)، مستشرقانی نظیر *گوستاو وایل*، *نولدکه*، *بلاشر*، *گریم* و *مویر* از این طریق، سوره‌های قرآن کریم را تاریخ‌گذاری کرده‌اند(watt, V. 5, P. 416). یکی از شاخص‌های سبک و اسلوب سجع است و آوردن دو واژه که در وزن و آهنگ یا یکی از این دو برابر باشند سجع گویند؛ *وایل* بر این نظر است که سجع فقط در سوره‌های نخستین به کار رفته است(watt, V. 5, P.416)، *بلاشر* نیز یکی از خصوصیات اسلوبی مرحله نخستین مکی را سجع دانسته است، یکی دیگر از خصوصیات سبکی سوره‌های مرحله نخستین مکه شش تا ده کلمه‌ای بودن آیه‌های آن‌هاست(بلاشر، ۱۳۷۲: ۶۷-۷۰).

از دیگر خصوصیات اسلوبی تاریخ‌گذاری، کوتاهی و بلندی آیات است، سوره‌های کوتاه در ابتدای نزول و سوره‌های بلند در انتهای آن قرار دارند، از همین روی *بلاشر* سوره‌های *حدید*، *مجادله*، *حشر*، *ممتحنه*، *صف*، *جمعه*، *منافقون*، *تغابن*، *طلاق*، *تحریم*، *انسان*، و *زلزله* را در ردیف سوره‌های مکی قرار داده است(بلاشر، ۵۵)؛ دروزه نیز با توجه به سبک و اسلوب، برخی از سوره‌ها را از جایگاه روایی خود خارج ساخته و برای آن‌ها تاریخی متفاوت از تاریخ و جایگاه روایی تعیین نموده است، سوره *حج* و *رعد* را به ترتیب با توجه به آیات سجده دار و حروف مقطعه مکی می‌داند زیرا از خصوصیات سبکی و اسلوبی مکه آیات سجده دار و حروف مقطعه است(دروزه، ۱۳۸۳: ۶/۵؛ ۵/۵۱۵).

تحلیل و نقد این روش

با روش سیاق فقط می‌توان آیات یک سوره را تاریخ‌گذاری نمود و این روش در تاریخ‌گذاری سوره‌ها کارایی ندارد، از این گذشته پیوستگی در نزول نیز، یکی از شرایط اصلی تحقق سیاق است، با توجه به وجود آیات مستثنیات در قرآن و اختلاف مفسران در این زمینه و اختلاف در

موضوع برخی آیات، روش سیاق نمی‌تواند در سراسر آیات و سوره قرآن کریم مفید افتد. در وجود و یا عدم وجود آیات مستثنیات در قرآن کریم بین صاحب‌نظران اختلاف است، برخی به طور مطلق آن را رد نموده (معرفت، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۱۶۹)، برخی به پشتوانه روایتی صحیح پذیرفته (رشید رضا، بی تا: ۲۸۴/ ۷)، و برخی دیگر آیات مستثنای مدنی را به شکل مطلق پذیرفته‌اند و آیات مستثنای مکی را رد نمودند (عسقلانی، بی تا: ۳۴/ ۹). و عده‌ای نیز به طور مطلق به وجود آیات مستثنیات در قرآن اذعان دارند (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ۲/ ۲۷۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷/ ۸۰).

علامه طباطبایی نیز با اینکه بسیاری از آیات مستثنی را، غالباً در آغاز تفسیر سوره یا در اولین بحث روایی سوره نقد میکند (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/ ۶۵؛ ۸/ ۱۴؛ ۱۰/ ۶؛ ۱۲/ ۲۲۲) و آن‌ها را مخالف سیاق و ناشی از اجتهاد می‌داند؛ ولی گاه با توجه به روایات سبب نزول، مواردی از استثناء آیات را نیز می‌پذیرد، نظیر آیات ۲۰-۱۸ سوره سجده که آن‌ها را برخلاف مکی بودن سوره، مدنی انگارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۲۴۳) علاوه بر این در زمینه توقیفی و یا اجتهادی بودن آیات بین مفسران و دانش‌وران علوم قرآنی اختلاف است، گروهی به توقیفی بودن گرایش پیدا کرده (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۳۲۳؛ رامیار، ۱۳۸۰: ۵۷۴) و دسته‌ای دیگر به اجتهادی بودن حکم داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹/ ۶۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۲/ ۱۹۱).

۵. روش آماری

روش آماری توسط مرحوم بازرگان در تاریخ‌گذاری به کار گرفته شد؛ این روش نیز با اشکالات بسیار مواجه هست که ضمن معرفی، به نقد و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

در این روش با استفاده از داده‌های آماری، تاریخ نزول قرآن مشخص می‌شود، مرحوم بازرگان ضمن بررسی مبانی و روش‌های نقلی در تاریخ‌گذاری، به سوی علم آمار گرایش می‌یابد و با تقسیم تعداد کل کلمات یک سوره بر تعداد آیات آن طول متوسط سوره به دست می‌آورد، بر این اساس، فهرستی از سوره‌ها را با توجه به طول متوسط آیات ترتیب می‌دهد که اولین سوره، اخلاص در مکه، با طول متوسط ۳ و آخرین آن ممتحنه در مدینه، با طول متوسط ۲۳/۹۲ است.

تحلیل و نقد این روش

در روش آماری سوره‌های مدنی زلزله، رحمن، بینه، تغابن، محمد و منافقون مکی و سوره‌های مکی شوری، قصص، لقمان، احقاف، یونس، فاطر، مؤمن و انعام مدنی به حساب آمده‌اند (بازرگان، ۱۳۳۶: ۱/ ۲۲). پیشینیان در بسیاری از مسائل، متعلق به علوم قرآن، مانند تعداد آیات قرآن، شمارگان آیات، رسم الخط، و تعداد کلمات ناشی از اختلاف قرائات و... اختلاف داشته‌اند و از آن جایی که این مسائل مواد اصلی طریق آماری محسوب می‌شوند با اعتبار بخشیدن به نظری خاص، نتایجی خاص به دست می‌آید، برای نمونه می‌توان به اختلاف قرائت در آیه‌های:

﴿فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (حدید / ۲۴)

﴿وَتَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (توبه / ۱۰۰)

9

﴿إِنَّ هَذَا أَمْرٌ لَّهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً﴾ (ص / ۲۳)

اشاره کرد که به ترتیب با حذف ضمیر «هو» در «هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» در قرائت نافع و ابن عامر (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۴۳۷) و اضافه نمودن «من» در عبارت «تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» در قرائت ابن کثیر (شبراوی، ۱۳۸۶ش: ۲۴۴) و اضافه نمودن «انثی» به «نَعْجَةً» در قرائت حسن، منسوب به ابن مسعود (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۲۸۱) اشاره کرد. هم‌چنین در تعداد آیه‌های قرآن کریم از ۶۲۱۷ تا ۶۲۳۶ آیه بین محققان در اختلاف است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۳۳۶).

۶. روش روان‌شناختی

یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری، توجه به حالات روحی- روانی و عکس‌العمل پیامبر در برابر مردمان مکه و مدینه است، از این روش، به روش روان‌شناختی تعبیر می‌شود. مستشرقانی نظیر نولدکه و بلاشر از این روش در تاریخ‌گذاری قرآن کریم کمک گرفته‌اند که ضمن معرفی به نقد و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

روان‌شناختی به معنای مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای روانی یک فرد در برابر حوادث و پدیده‌های طبیعت است. نولدکه یکی از راه‌های تشخیص سور مکی از مدنی و حتی بازشناسی و تعیین سوره‌های مکی به مراحل نخستین، میانی و پایانی را، رشد و پیشرفت روان‌شناختی شخصیت پیامبر(ص) و رفتار و کردار وی در برابر مردمان عصر نزول می‌داند، بر این مبنا مجموع سوره‌ها را به چهار بخش تقسیم می‌کند؛ سه قسم آن در مکه و یک قسم در مدینه و دوره مکی را به مراحل نخستین، میانی و پایانی تقسیم می‌کند و ۴۸ سوره را در مرحله نخستین، در مرحله میانی و پایانی مکه، هر یک ۲۱ سوره و ۲۴ سوره را در دوره مدینه قرار می‌دهد.

تحلیل و نقد این روش

تغییر رفتار پیامبر و بررسی روان‌شناختی وی نمی‌تواند معیار و مبنایی در جهت سنجش ترتیب آیات و سوره‌های قرآن کریم باشد؛ این روش از جانب کسانی که قرآن را تراوشات ذهنی پیامبر می‌دانند و وحیانی بودن آن را نفی می‌کنند، نشأت گرفته است، آن‌ها بر اساس مبانی و داده‌های نوین علوم اجتماعی و روان‌شناسی، به منظور جمع و سازگاری میان علوم مادی جدید و نبوت و وحی، وحی را تبلور شخصیت پیامبران و گاه نبوغ اجتماعی آنان می‌شمارند؛ اینان به زعم خویش، پیامبران را افرادی می‌دانند که در خبر دادن از آنچه دیده و شنیده‌اند حقیقت را بیان می‌کنند، اما سرچشمه آگاهی‌های آن‌ها، تراوش شخصیت باطنی آن‌هاست، نه ارتباط با عالم غیب و ماورای طبیعت (سعیدی، ۱۳۸۸: ۴۵).

۷. روش ذوقی و سلیقه‌ای

روش ذوقی و سلیقه‌ای یکی از روش‌هایی است در تاریخ‌گذاری بدون توجه به مبانی و اصول تاریخ‌گذاری، این روش بیش‌تر در میان آثار مستشرقانی چون بل، مویر و هرشفلد یافت می‌شود که ضمن معرفی، به نقد و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

معرفی این روش

بلی نزول قرآن را به سه مرحله آیات، قرآن و کتاب تقسیم نموده است، مرحله آیات مربوط به دوران ابتدایی و میانی مکه و مرحله قرآن مربوط به اواخر زندگی پیامبر در مکه و دو سال فعالیت او در مدینه و مرحله کتاب مربوط به اواخر سال دوم پس از هجرت است (bel, 121-143). مویر نیز بدون ارائه شواهد و یا دلیلی خاص، سوره‌های عصر، عادیات، زلزال، شمس، قریش، فاتحه، قارعه و... را مربوط به دوران قبل از بعثت پیامبر می‌داند، و در حقیقت قرآنیّت آن‌ها را انکار کرده و از آن‌ها به سوره‌های شغف‌آور یاد کرده است، تنها دلیل وی، کوتاهی سوره‌های فوق و یک یا دو سطری بودن آن‌ها است (muir, 43). هرشفلد نیز برای سوره علق هیچ جایگاه قرآنی در نظر نگرفته است و آن را جزء قرآن کریم نمی‌داند (hershfield, 33).

تحلیل و نقد این روش

بلی بدون توجه به منابع نقلی و روائی و تاریخ، بر اساس ذوق و سلیقه سه تقسیم آیات، قرآن و کتاب را به وجود آورده و به معیار زمان در تقسیم‌بندی سوره‌ها توجهی نداشته و نظام تاریخ‌یابی دقیقی را مطرح نکرده است، نقطه آغازین نزول قرآن را به زمان جنگ بدر در سال دوم هجرت با نزول سوره‌هایی نظیر علق، مدثر، اعلی و مزمل می‌داند، نزول سوره مریم را زمان بعد از جنگ بدر در مرحله کتاب در حدود سال سوم هجرت می‌داند، در حالی که بنا بر نظر تمام محققان و مفسران و حتی تاریخ قطعی، تاریخ نزول سوره مریم در مکه نتیجه‌گیری می‌شود (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/ ۵۹-۶۰).

۸. روش پیشنهادی در تاریخ‌گذاری

اکنون که روش‌های متداول در تاریخ‌گذاری قرآن، طرح گردید و اشکالات آن‌ها [تا اندازه‌ای] نمایان شد و مورد نقد قرار گرفت، لازم می‌نماید، روشی در این کار پیشنهاد شود که اشکالات کم‌تری داشته باشد و شناختی درست و دقیق به دست دهد.

معرفی این روش

روش پیشنهادی در تاریخ‌گذاری، روشی فراگیر و آمیخته از نقل و قیاس و اجتهاد است. با این توضیح که نخست، نقل‌ها و روایت‌های ترتیب نزول و مکی و مدنی سوره‌ها، اسباب نزول، روایت‌های سیره و تاریخ و ناسخ و منسوخ گردآوری شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت بروز اختلاف، سند و متن آن‌ها مورد دقت واقع شده؛ آنگاه به قیاس و اجتهاد روی آورده می‌شود.

برتری و امتیاز این روش

روشن است که این روش، نه به نقل تنها اتکاء دارد و نه به اجتهاد صرف متکی است و اجتهاد در آن ذوقی و افسارگسیخته نیست، بلکه قیاس مند و ساختار مدار است.

نتیجه بحث

روش‌های تک‌جنبه‌ای در تاریخ‌گذاری مانند نقلی، تاریخی، موضوعی، آماری و سیاق و سبک و اسلوب، از کارایی کافی برخوردار نیست، زیرا هر یک با اشکالات و نقدهای بسیاری مواجه است و بررسی‌ها، نارسایی آن‌ها را نمایان می‌کند.

روش‌های روان‌شناختی و ذوقی در تاریخ‌گذاری قرآن جایگاهی ندارند.

روش برتر و پیشنهادی در تاریخ‌گذاری، روش فراگیر است؛ زیرا هم بر نقل و هم بر قیاس و اجتهاد [هر دو راه شناخت] مبتنی است و از اظهار نظر ذوقی و سلیقه‌ای در آستان قرآن بدور است.

کتابنامه

- الوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، به تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمی.
- بازرگان، مهدی. ۱۳۳۶، **سیر تحول قرآن**، ج ۱، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، تهران: قلم.
- بلاشر، رژی. ۱۳۷۲، **درآمدی بر قرآن**، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: ارغنون.
- جعفری، آرتور. ۱۹۷۲م، **مقدمتان فی علوم القرآن و هما مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه**، قاهره: الخانجی.
- دروزه، محمد عزه. ۱۳۸۳، **التفسیر الحدیث**، قاهره: دار الاحیاء الکتب العربیه.
- زرقانی، محمد عبد العظیم. ۱۴۲۲ق، **مناهل العرفان فی علوم القرآن**، تحقیق احمد بن علی، قاهره: دارالحدیث.
- زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۲۱، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالکتب العربی.
- شبرای، عبدالله بن محمد. ۱۳۸۶ش، **الاتحاف بحب الاشراف**، قم: دار الکتب الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات اسلامی.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفه.
- معرفت، محمد هادی. ۱۴۱۵ق، **التمهید فی علوم القرآن**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

منابع لاتین

- Bell, Richard, **introduction to the quran**, London, 1928.
- Hirshfeld, hartwig, **new researches into the composition and exegesis of the quran**, London, royal aslatic, 1902
- Muire, wiliam, **the quran, its composition and teaching**, London, pot yong.
- Noldoke, **the origins of the Koran**, edited by ibn warraq, 1998.